

سه‌شنبه • ۵ شهریور ۱۳۹۲ • سال یازدهم • شماره ۱۸۱۶ • ۷

شرق

روزنامه

جهان

۸ صفحه	دامن‌زدن به جنگ، از هند تا ایالات متحده، قاعده القاعده
۹ صفحه	طعنه الظواهری به اخوان: نگفته بودم؟!
۱۰ صفحه	«قیتو» قله روزنامه‌نگاری است، گفتو گو با مجید رضاییان

نگاه
رفتارشناسی «القاعده»
آرمان محمودیان

سازمانی که در سال ۱۹۹۴ با عنوان «مکتب الخدمه» با هدف مسلح کردن و آموزش مجاهدین اسلامی برای جنگ با شوروی موجودیت یافت و به‌خاطر نام پادگان نظامی خود به نام قاعده الجهاد (پایگاه نبرد مقدس) القاعده نام گرفت با گذر زمان تبدیل به یکی از خطرناک‌ترین دشمنان بشریت شد.

در حقیقت پادگانی که در نخست از آن به‌عنوان یک واحد از مجموعه عوامل مبارز علیه اشغالگران شوروی یاد می‌شد، پس از اندک مدتی مبدل به یک شرکت چندملیتی شد که در بخش اعظمی از جهان برای خود نمایندگی دارد، القاعده که دوران جنینی خود را در سودان طی کرد روز به روز گسترش یافت. در آن زمان اسلمه بن لادن و هم‌پیامانش از سازمان «الجهاد» مصر با مجاهدان مشهور به«افغان‌های عرب»، القاعده را در قالب سازمانی بزرگ‌تر و پیچیده‌تر به نام‌جبهه جهانی علیه یهودیان و صلیبی‌ها، سازماندهی می‌کردند. ضرابهنگ توسعه القاعده وقتی شدت گرفت که جنگجویان عرب این سازمان به افغانستان مهاجرت کردند و قبایل پشتون این کشور، میزان این سازمان شدند. قبایل پشتون بعدها در قالب حکومت طالبان، قدرت را در افغانستان به دست گرفتند و نظام بنیادگر و مستبد آن‌ها از سپتامبر ۱۹۹۶ بر کشور افغانستان استیلا یافت. القاعده با حمایت همه‌جانبه طالبان که به مدت پنج سال – از سپتامبر ۱۹۹۶ تا دسامبر ۲۰۰۱ – به طول انجامید، در توسعه تشکیلاتی خود و نیز سازماندهی «جهاد بین‌المللی» توفیق یافت و توانست پایگاه‌های متعددی را در سراسر افغانستان دایر کند.این پایگاه‌ها شامل ۲۸ مرکز آموزشی و ۳۰هزار داوطلب بود که ۱۸هزار نفر از آنها عضو رسمی القاعده بودند و به شکل مستمر در پایگاه‌ها حضور داشتند. مابقی این نیروها نیز پس از طی دوران آموزشی در پایگاه‌های القاعده به سازمان‌های جهادی محلی می‌پیوستند، ضمن آنکه رابطه خود را با القاعده حفظ کرده بودند. در واقع این افراد بازوهای لجستیک‌القاعده در انجام عملیات‌های تروریستی بین‌المللی محسوب می‌شوند. اوج کامیابی و توسعه القاعده مدیون «ایمن طواهری» رهبر سازمان جهاد اسلامی مصر است که در سال ۲۰۰۰سازمانش را با سازمان القاعده ادغام و القاعده را به‌طور علنی تبدیل به نیرویی فرا قارای کرد.

القاعده که سرمستت از توسعه‌طلبی‌های خود بود و تحقق رویای امارت اسلامی را نزدیک می‌دانست برای اینکه عظمت خود را به رخ جهانیان بکشد دست به حملات تروریستی ۱۰ سپتامبر زد و با کشتار هزاران نفر مردم بیگناه دیگر با اسم خود خودش فلک را نیز کر کرد. حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر با مشت آهنین کاخ سفید روبه‌رو شد و آمریکا با همراهی ده‌ها دولت، افغانستان را تصرف کرد و با سقوط آخرین پایگاه القاعده در کوه‌های تورا بورای افغانستان در اواخر دسامبر ۲۰۰۱، سازمان القاعده اسامه بن لادن را به حالت کما درآورد. زیرا که افغانستان دوران طالبان نیز به مثابه پایگاه اصلی القاعده عمل می‌کرد. نقطه‌ای که به‌عنوان پایگاه مرکزی القاعده بر برنامه‌ها و عملیات‌های شبکه‌های زنجیره‌ای این سازمان در سراسر جهان نظارت می‌کرد، با سقوط طالبان، تاووم فرماندهی شبکه‌های زنجیره‌ای القاعده در سراسر جهان به شکل سامانه «تمرکزگرا» و«وحدت فرماندهی» امکانپذیر نبود و رهبران این سازمان مجبور شده بودند که از دید عموم پنهان بمانند ضمن آنکه بسیاری از آنان در حملات جنگنده‌های آمریکایی از بین رفته یا به اسارت درآمده بودند. در کل، فشار امنیتی فراوانی بر این سازمان و زیر مجموعه‌های آن وارد آمده بود

با سقوط طالبان، سازمان القاعده در جهت سازگاری با شرایط جدید با دو چالش سرنوشت‌ساز مواجه شد. چالش اول برآکندگی جنگجویان القاعده بود. جنگجویانی که پیش‌تر در محیط امن افغانستان گردهم آمده بودند و اکنون ضروری بود که سران القاعده انسان را از کزند نیروهای امنیتی که در تعقیب آنان بودند، مصون بدارند و با تجدید سازماندهی، آنان را برای انجام عملیات جدید تا حدود زیادی موفق بدهد است زیرا، پدنبال حملات و فشارهایی که ایالات متحده پس از تهاجم ۱۱ سپتامبر علیه القاعده صورت داد، سه‌هزار نفر از ۱۸هزارجنگجویی که در پایگاه‌های القاعده (فغانستان) مستقر بودند، در بمباران‌های جنگنده‌های این کشور، کشته شدند و بک‌هزار و ۲۰۰نفر از آنان نیز به اسارت نیروهای آمریکایی درآمده‌اند. نیمی از این تعداد نیز به زندان‌های گوانتانامو انتقال یافته‌اند و نیم دیگر در مراکز که هنوز آمریکایی‌ها مکان آنها را افشا نکرده‌اند، نگهداری می‌شوند. ۱۴هزارجنگجوی باقی مانده نیز موفق به فرار شده و در مکن‌های امنی استقرار یافته‌اند. بنابراین می‌توان گفت، به‌رغم خسارت‌های فراوان القاعده در حفظ نیروهای خود و مواجه با چالش اولی که از آن سخن به میان آمد، موفق بوده است.

چالش دیگری که القاعده در راستای سازگاری با شرایط جدید پس از ۱۱سپتامبر با آن مواجه بوده تعیین رهبران جدید و بیعت کردن با آنان بود. این امر باید به‌گونه‌ای صورت می‌گرفت که مشکل امنیتی برای این رهبران و هوادانش ایجاد نشود و شرایطی به وجود آید که رهبران جدید پس از فروپاشی قدرت سازمان، در«بهشت افغانستان» بار دیگر رابطه عملیاتی خود با جنگجویان القاعده را – که در سراسر جهان پراکنده شده‌اند – از سر گیرند. این امر در دو مرحله صورت گرفت. مرحله اول که از زمان سقوط توراورا تا پایان تابستان ۲۰۰۲، به طول انجامید و طی آن تلاش شد به جای افراد کشته یا به اسارت افتاده برای اولین بار است که ۱۱ سپتامبر در هرم قدرت سازمان، منصب مهمی داشتند، فرماندهان جدیدی منصوب شوند. در حقیقت در این دوره جدید القاعده که سازمانی دارای برنامه‌ریزی و اجرای عملیات بر وحدت و تمرکز بود از هراس اینکه با هدف قرار گرفتن راس هم، کل تشکیلات را فروبریزد، ساختاری جدید، منطع و پیچیده به خود گرفت، ساختاری که در آن چندین شعبه مستقل و چندملیتی از راس سازمان منشعب شده و باوجود هم‌آوایی با اهداف کلی سازمان، ساختاری خود اتکا و مستقل در طراحی و اجرای عملیات‌های تروریستی داشته باشد. ساختاری که با مفهوم سنتی کار تشکیلاتی کلاملا متفاوت باشد تا از این طریق با تشکیل شش‌حوزه مستقل که هرکدام دارای ساختار رهبری و عملیاتی مستقل و منابع مالی محلی هستند، به کار خود ادامه می‌دهد.

سه‌شنبه • ۵ شهریور ۱۳۹۲ • سال یازدهم • شماره ۱۸۱۶ • ۷

روزنامه

دامن‌زدن به جنگ، از ه

طعنه الظواهری به اخوا

«قیتو» قله روزنامه‌نگاری

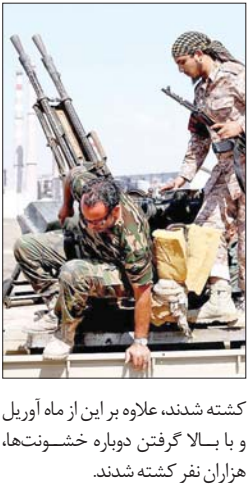
دربچه
اولویت‌های خاورمیانه‌ای آمریکا
باب دریفوس ترجمه: سودابه رخش

چه اتفاقی می‌افتد وقتی شما به یک کشور باثبات حمله می‌کنید،

دولت و زیرساخت‌های سیاسی و اجتماعی آن را از بین می‌برید و سپس یک دهه بعد آتش انقلابی را در یک کشور باثبات همسایه‌اش روشن می‌کنید؟ آن هم بدون توجه به پیامدهای آن؟ این کاری است که ایالات متحده می‌کند. اول جنگی در عراق به راه انداخت و بعد در سوریه.

قتل عام در عراق درحال افزایش است و شورشیان اسلامگرا در سوریه هم بی‌شمار به نظر می‌رسند. بگذارید این تفسیر را با بررسی یادداشت «نیویورک تایمز» در مورد عراق شروع کنیم؛ یادداشتی که هشار می‌دهد القاعده عراق که بدخیم‌ترین عامل تروریستی به یکی از مهم‌ترین مناطق تروریستی جهان تبدیل شده است. در یمن امکاناتی وجود دارد که اجازه می‌دهد تروریسم از این کشور به سایر کشورها گسترش یابد. یمن کشوری است که در آن شمار اسلحه‌ها بیشتر از شمار جمعیت است و نیمی از جمعیت آن بی‌سواد هستند. نزدیک به یک‌چهارم مردم آن قادر به پیدا کردن شغل نیستند و درگیری‌های داخلی باعث شده هزاران نفر، محل سکونت خود را ترک کنند. این مسایل، یمن را تبدیل به مکانی مناسب برای حضور و فعالیت افراط‌گرایان کرده است. شرایط اجتماعی، اقتصادی و امنیتی و همچنین افزایش فقر و بی‌سوای زمینه را برای اقدامات تروریستی در یمن و سرایت اقدامات تروریستی به کشورهای دیگر را فراهم کرده است.

تروریسم در یمن به دو شکل وجود دارد؛ شکل نخست به رهبری القاعده و ایمن الظواهری بوده و شکل دوم به رهبری شخصیت‌های دولتی علیه فعالان، سیاسی جنوب یمن است. سازمان‌های امنیتی یمن قادر نیستند مشخص کنند چه کسانی حامیان تروریسم داخلی این کشور هستند. تاکتیک‌ها و اهداف القاعده در یمن با تاکتیک تروریسم داخلی متفاوت است. القاعده از نامنی‌ها و عملکرد ضعیف سازمان‌های امنیتی یمن برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کند. به گزارش بوستون گلوب در میان کشورهای بهار عرب، تونس بهترین شانس برای دستیابی به یک دموکراسی موفق را دارد. مصر پس از کودتای نظامی همچنان ناآرام است، لیبی از گروه‌های افراط‌گرای مسلح به‌سوء آمده و سوریه درگیر جنگی بی‌پایان است. اما ظهور گروه‌های جهادی مرتبط با القاعده در دره‌های پوشیده از درخت و غارهای مناطق کوهستانی در نزدیکی مرز تونس با الجزایر تهدیدی برای این کشور ایجاد کرده است. کوه‌های جبل شلمعی که به عنوان پارک ملی برای حفاظت از گونه‌های در معرض انقراض حیوانات در جنوب‌غربی تونس احداث شده بود، درحال حاضر تبدیل به پناهگاهی برای القاعده به‌شمار می‌رود. دولت تونس این گروه‌های جهادی افراط‌گرا را مرتبط با شاخه القاعده در شمال آفریقا می‌داند. این تهدیدات سبب به‌خطرآفتادن تعادل در تونس شده است. به گونه‌ای که جوبی اعتمادی در میان احزاب سیاسی شکل گرفته است، ناآرامی‌های اخیر در تونس هم سرویس‌های امنیتی این کشور را با چالش‌هایی از جمله کمبود بودجه روبه‌رو کرده است. ژنرال رشید عمار، رئیس ارتش تونس پایان ژوئن هشدار داد تونس ممکن است مانند سومالی شود. کشورهایی دیگر برای مبارزه با تروریسم منابع اقتصادی دارند این در حالی است که ما هیچ چیز نداریم. عمار گفت: من در تونس نشانه‌هایی را می‌بینم که مرا می‌ترساند و خواب را از من گرفته است. او چندی پس از این سخنان استعفا داد. منشا این ترس همان اردوگاه‌های آموزشی پنهانی است که در پارک ملی جبل‌شلمعی در امتداد کوه‌های اطلس قرار گرفته است.



کشته شدند، علاوه بر این از ماه آوریل و با پیلا گرفتن دوباره خونسون‌ها، هزاران نفر کشته شدند. اما«تایمز» به طرز باورنکردنی‌ای دولت لویمارا را سرزنش می‌کند که چرا تازشی برای حفظ نیروهای آمریکایی در عراق پس از پایان یک جنگ جانیات‌کارانه نکرده است. در یادداشت تایمز آمده است: «اگر آقای مالکی و آمریکایی‌ها توافق می‌کردند که تعدادی از نیروهای آمریکایی را برای آموزش و جمع‌آوری اطلاعات در عراق نگه دارند، شاید عراق بهتر می‌توانست القاعده را مهار کند»

اما «تایمز» به ندرت به سوریه اشاره می‌کند؛ کشوری که جنگ داخلی‌اش موجب انحصار القاعده و دیگر جنبش‌های افراطی اسلامگرا علیه دولت علوی دمشق و دولت شیعی بغداد و همچنین ایران به‌عنوان هم‌پیمان این دو کشور شده است. تایمز فقط اشاره کرده که«نوسانات منطقه‌ای» از جمله جنگ سوریه، باعث بی‌ثباتی عراق شده است. این بحث یکی از مشکلات را کم اهمیت و دیگری را پراهمیت جلوه می‌دهد. شاید برای اولین بار است که جنگ داخلی سوریه که ده‌هاهزار کشته به جای گذاشته «نوسان» خوانده می‌شود.

این«نوسان» در سوریه یکی از علل عمده شورش اهل تسنن در عراق است و مادامی که ادامه پیدا کند احتمال همکاری اسلامگراها در دو کشور برای استخدام جنگجویان، خرید سلاح و مبادله بمب‌های دست‌ساز افزایش پیدا می‌کند.

ادامه در صفحه ۸



عسک

کارشناسان نگران تکرار «۱۱سپتامبر»

نبض «القاعده» هنوز می‌تید

تانیا تجلی

مالی، نیجریه، عراق و سوریه رخ داده و می‌دهد نمونه‌هایی از به‌قدرت‌رسیدن القاعده در این کشورهاست. پیش‌بینی مطالعه سازمان امنیت کانادا که نتیجه کار گروهی دوازده روزه بود نشان داد که القاعده شکست نخواهد خورد و به حملاتش ادامه خواهد داد. حتی در خوشبینانه‌ترین سناریو، القاعده در جهت استراتژی حملات کوچک و مکرر پیش خواهد رفت. تاریک‌ترین زنجیره این حوادث فرض القاعده‌ای است که با بدترشدن خشونت، فقر، ناامنی و فروپاشی رژیم‌ها درصد به‌دست‌گرفتن کنترل دولت‌هایی با سلاح‌های هسته‌ای است که تهدیدی برای امنیت جهانی است. محتمل‌ترین چشم‌اندازی که این مطالعه نشان داد آن بود که القاعده به آرامی و پیوسته با فروش خشونت ضدرعبی، زمین می‌خرد.

القاعده و «بهار عربی»

البته نقش القاعده در حوادث اخیرى که در کشورهای عربی رخ داده هم پررنگ است. به گزارش اف‌این‌پالیسی، مطالعات نشان داده که درگیری‌ها در سوریه به‌طور بالقوه زندگی جدیدی را برای القاعده رقم زده است. درگیری‌های طولانی در این کشور موجب شده جمعیت جوان، محروم، سرخورده و به حاشیه رانده‌شده به اسلامگرایان افراطی جذب شوند. به گزارش «گاردین» در سوریه اولین انفجار عمده در دمشق و در دسامبر ۲۰۱۱ رخ داد؛ درست ۹ماه پس از شورش‌های علیه «بشار اسد». انفجارها و دیگر حملات بعدها توسط «جبهه‌النصر» اتفاق افتاد. این گروه حین جنگ داخلی سوریه و در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ تشکیلش را اعلام کرد. النصره در دسامبر ۲۰۱۲ توسط آمریکا به‌عنوان یک سازمان تروریستی معرفی شد. این گروه تحت‌نظر و اشراف ارتش آزاد سوریه به مبارزه با دولت سوریه می‌پرداختند و نشان آنها حمل دستنوشته‌ها و شعارهای اسلامی از جمله پرچم سیاه «لااله‌الاالله» بود. این گروه به درخواست کشورهای حامی خود در حلب، شمال و حمص، مرکز و ریف دمشق، جنوب و ادلب و شمال غربی سوریه پراکنده شدند و از همان ابتدا کاملاً اهداف سلفی‌وهابی داشتند، به‌همین دلیل بسیاری از مردم سوریه از آنها دوری می‌جستند. تصاویر ناآرامی و آشوب در مصر و مرگ معترضان اسلامگرا در رسانه‌های سراسر جهان فرصت ایده‌آلی برای گسترش استراتژی بهر‌میرداری از بی‌ثباتی یکی دیگر از کشورهای درگیر بهار عرب است. گرچه وضعیت مصر بسیار غیرقابل پیش‌بینی است و جبهه مناسبی برای جهادگران محسوب نمی‌شود، اما به گزارش «المانبوتو» خشونت‌های کنونی این کشور را در معرض خطر قرار داده و این وضع مشوق طرفداران خشونتی است که مسلمانان را تحت قانون شریعت درآوردند چراکه مصر سابقه خشونت اسلامی دارد. ترور انورسادات، رئیس‌جمهور پیشین مصر در سال ۱۹۸۱ توسط اسلامگرایان و کشته‌شدن ۵۸نویست به‌دست شیعهنظامیان در سال ۱۹۹۷

رشد تدریجی قدرت القاعده تهدیدات توسط این گروه بنیادی اسلام‌گرا را تغییر می‌دهد. به‌موجب این مطالعات رهبران القاعده هر چه مستقل‌تر و فرصت‌طلب‌تر شده‌اند، کمتر قابل پیش‌بینی‌اند و هر چه سلاح‌ها و منابع مالی جدید و پناهگاه‌های امن‌تری یافتند قدرت بیشتری کسب کرده‌اند



۱۲سال پیش ۱۹نفر در ایالاتمتحده آمریکا دو هواپیما ربودند و به دل برج‌های دوقلو مرکز تجارت جهانی در آمریکا در نیویورک زنده، آن‌روزها مثل این‌روزها نامشان چندان مطرح نبود؛ با این حال از گوشه‌وکنار خبر رسید که گروهی تروریستی به‌نام «القاعده» مهندسی این حملات را برعهده داشتند. القاعده شاخه‌اش بیش از پیش گسترده شد و دنیا را با نیروهایی که به‌طور ویژه آموزش داد، به واهمه واداشت. زمان ولی گذشت و ۱۰ (سال پس از آن ماجرا، تصویری از اوامبا، مر کل و سایر قدرتمندان اروپایی منتشر شد که همگی به‌تازده به تصویری زل زده بودند؛ تصویر حکایت از کشته‌شدن «اسلمه بن‌لادن» داشت؛ شماره‌یک القاعده بالاخره پس از تعقیب‌وگریزهای فراوان از پا درآمد و موجی از خوشی ذهن دولتمردان غربی را فراگرفت که القاعده رو به افول است. حالا دوسال بعد از کشته‌شدن بن‌لادن، حرف‌های کارشناسان روایت دیگری از القاعده سر زبان‌ها انداخته است…

تعطیلی سفارتخانه‌های کاخ‌سفید

«پیتز کینگ» سناتور جمهورینخواه آمریکا پنجم آگوست سال جاری نسبت به قدرت‌مندشدن القاعده بیش از گذشته در سال‌های اخیر هشدار داد و گفت: «القاعده اکنون از بسیاری جهات قوی‌تر از ۱۱ سپتامبر شده است و پراکندگی آن می‌تواند برای ما تهدید خطرناک‌تری از قبل باشد.» به‌گزارش «هافینگتون‌پست کینگ» همچنین وابستگان القاعده درشبه‌جزیره عربستان را خطرناک‌ترین گروه‌های القاعده توصیف کرد. اظهارات کینگ پس از آن صورت گرفت که چهارم آگوست، به‌دنبال نگرانی از اینکه القاعده در سفراتخانه‌های خود را در یمن خاورمیانه، آفریقای‌شمالی و دیگر مناطق آغاز کند، کاخ‌سفید ۲۲ سفارتخانه و کنسولگری خود را تعطیل کرد. پس از این اقدام، روزنامه دیلی تلگراف گزارش داد سازمان جاسوسی آمریکا به پیام‌هایی دسترسی پیدا کرده که در آنها ایمن الظواهری، جانشین اسامه بن‌لادن، به ناصر الوحیشی، رئیس القاعده یمن دستور داده حملاتی را به اجرا درآورد. اما تنها آمریکا نبود که از اقدامات القاعده نگران بود، بلکه برخی از کشورهای اروپایی نیز سفارتخانه‌های خود را در یمن تعطیل کردند. انگلیس، آلمان و فرانسه ازجمله کشورهایی بودند که سفارتخانه خود را در یمن تعطیل کردند. اقدامی که واکنش یمن را به‌دنبال داشت؛ «ابوبکر القربی»، وزیرخارجه یمن ضمن انتقاد از شیوه تعامل غربی‌ها با تهدیدهای مربوط به احتمال اجرای عملیات تروریستی گفت: «خروج هیات‌های دیپلماتیک از صنعا و بستن سفارت‌های خارجی در یمن، نشان دهنده ضعف غربی‌ها درمقابله با چالش‌ها است»

سال گذشته هم در روز ۱۱ سپتامبر به سفارت آمریکا در لیبی حمله شد و سفیر آمریکا و سفنر دیگر جان خود را از دست دادند. یکی از اعضای سازمان سیا که موجب به‌دام‌انداختن اسامه بن‌لادن شده، می‌گوید القاعده همچنان همانند زمان عملیات ۱۱ سپتامبر، نیرومند است. میشل شور، عضو پیشین سیا که تیم تعقیب اسامه بن‌لادن را در دهه ۹۰ هدایت می‌کرد، می‌گوید: «زمان زیادی به پیروزی جنگ باقی مانده و غرب درحال باختن است. تحلیلگران بر این باورند که احتمال دارد حادته ۱۱ سپتامبر بار دیگر تکرار شود، آیا القاعده از گذشته قدرت‌مندتر شده است؟ آیا القاعده همچنان تهدیدی برای آمریکا محسوب‌می‌شود؟

افزایش تدریجی قدرت القاعده

به گزارش نشنال‌پست، مطالعات سازمان اطلاعات امنیت کانادانشان می‌دهد القاعده در پنج‌سال آینده غیرقابل پیش‌بینی‌تر و قوی‌تر خواهد شد. وضعیت القاعده در سال ۲۰۱۸ چگونه خواهد بود؟ بنابر گزارش این سازمان این سوالی است که از متخصصان برجسته پرسیده شده است. متخصصان در این بررسی باید در پاسخ به این سوال یکی از این سه پاسخ را برمی‌گزینند: ۱- کاهش قدرت القاعده ۲- افزایش تدریجی قدرت القاعده ۳- افزایش سریع قدرت القاعده. اکثر شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی گزینه دوم را برگزیدند. رشد تدریجی قدرت القاعده تهدیدات توسط این گروه بنیادی اسلام‌گرا را تغییر می‌دهد. به‌موجب این مطالعات رهبران القاعده هر چه مستقل‌تر و فرصت‌طلب‌تر شده‌اند، کمتر قابل پیش‌بینی‌اند و هر چه سلاح‌ها و منابع مالی جدید و پناهگاه‌های امن‌تری یافتند، قدرت بیشتری کسب کرده‌اند. سرنوشت القاعده پس از کشته‌شدن اسامه بن‌لادن رهبر این گروه یعنی دوسال پیش به‌طور گسترده‌ای موردبحث قرار گرفت. هنگامی که در اواخر دهه ۱۹۸۰ برخی از شبکه‌های تروریستی در پیشاور پاکستان شکل گرفت، برخی صاحب‌نظران از آن به‌عنوان یک نیروی روبه‌زوال نام می‌بردند، این در حالی بود که برخی دیگر معتقد بودند که این شبکه‌ها تهدیدات قابل پیش‌بینی در آینده خواهند بود. بر اساس آنچه که شرکت امنیتی «اینتل‌ستر» گزارش داده است، از ۴۱ گروه فعال وابسته به القاعده، ۲۸گروه تا قبل از حمله ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ وجودنداشتند. بسیاری از این گروه‌های وابسته، به‌دلیل فقدان قدرت اجرایی در درون دولت‌هایی که بهار عربی در آنها رخ داد، به‌دنبال یافتن پناهگاه‌های عملیاتی هستند. از زمان آغاز بهار عربی، بی‌ثباتی منطقه‌ای زمینه را برای یافتن فرصت و مزایا در این کشورها برای القاعده فراهم کرد. ازجمله حملاتی که در لیبی، الجزایر،

ادامه در صفحه ۸